

# ادبیات طنز و تعریض

● حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم سیدعلوی\*

## چکیده

طنز و تعریض، شیوهٔ بیانی و گفتمان خاصی است که برای بازگویی عیوب و تعیین کاستی‌ها و یاد نقطه ضعف‌ها، کاربرد دارد. طنز در ادبیات جهان جایگاه و منزلت ویژه دارد و در موارد بسیاری اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی، از آن، بهره می‌جویند. بهلول عاقل در گذشته نسبتاً دور بذله‌گوی ماهری بوده و در هویدا ساختن کاستی‌های اخلاقی و عقیدتی و غیره، نقش ایفا می‌کرده است. ملانصرالدین هم در اعصار اخیر فکاهی نویسنده و طنزپرداز معروفی است و طنزها و تعریض‌های عبید زاکانی دارای نقاط مثبت و سازنده می‌باشد. حجة‌الاسلام نیر تبریزی، با طنز و مطایبه بسیاری از نقاط ضعف اخلاقی و رفتار ابنای زمان را افشا کرده است. و امام خمینی (قدس سره) در سخنرانی‌های خود از ادبیات طنز و تعریض بهره برده و برخی مطالب را در پوشش طنز و با بیان ساده القاء فرموده‌اند.

\*\*\*

طنز و تعریض، شیوهٔ بیانی و گفتمانی خاصی است برای بازگویی عیب‌ها و تعیین کاستی‌ها، و نقد اوضاع جاری و ذکر معایب فرد و یا جامعه؛ یا رمز و در لفافهٔ مطایبه؛ آن‌جا که رُک‌گویی و صراحت امکان ندارد و یا مقید نمی‌باشد.

طنز، بدیهه‌گویی و تعریض و کنایه، در ادبیات جهان و در میان ملت‌های عالم جایگاهی ویژه دارد و از منزلتی در خور برخوردار است.

دقت در موارد به کارگیری طنز و ظرافت، انسان را به این حقیقت هدایت می‌کند که فلسفه پیدایی این نوع بیان، به طور عمده ریشه در انتقاد از خواص و بیان نقاط ضعف اخلاقی و رفتاری ارباب قدرت دارد که دارای مقام عالی سیاسی، اجتماعی هستند و یا مردمانی سرشناس، متنفذ و صاحب اقتدارند و گفتمان صریح و بی پرده درباره آنان، ممکن است بازتاب منفی داشته و تأثیر مطلوب نداشته باشد و یا با تحریک آنان، جهت‌گیری صورت گیرد و فاجعه آفریده شود.

طنز دایره‌ای وسیع دارد و در موارد گوناگون نیز، به کار گرفته می‌شود و به تعداد موضوعات حیات اجتماعی و مسایل زندگی اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دینی و غیره زمینه پیدا می‌کند.

### سابقه ادبیات طنز

بررسی و کاوش دقیق این امر، مجال گسترده‌تر لازم دارد تا مسئله از دیدگاه تخصصی دنبال شود و از بعد تاریخی و اجتماعی، ریشه‌یابی به عمل آید.

بهلول عاقل، در گذشته نسبتاً دور در میان مسلمانان، بذله‌گوی ماهری بوده و در هویدا ساختن کاستی‌های اخلاقی و عقیدتی حاکمان و همان‌طور سایر افراد، نقشی سازنده داشته است و گاهی هارون عباسی مست قدرت را می‌شکسته است.

ملاً نصرالدین نیز در اعصار اخیر، فکاهی گوی و طنزپردازی معروف بوده که سخنان حکمت‌آموز وی در جامعه طنز، هنوز زبانزد خاص و عام است و حتی جنبه بین‌المللی به خود گرفته است و روزنامه فکاهی ملانصرالدین در تاریخچه روزنامه‌نگاری جایگاه ویژه خود را دارد و اگر در کتابخانه‌ای یافت شود از آثار نفیس برشمار است.

اشعار عبید زاکانی و طنزهای سیاسی اجتماعی او معایب رجال عصر و سوء رفتار خاندان‌های حاکم و صاحب قدرت و مکنت را به لطافت برگ‌های گل مطرح می‌نماید.

متأسفانه در دوران مختلف تاریخی ما رجال درباری و خاندان‌های مرفه بی‌درد که همی جز حیات بهیمی خویش نداشته‌اند، علاوه بر فساد خود جامعه را نیز آلوده کرده و

به تباهی کشانده‌اند. رسالت انسانی طنز نویسان و بدیهه‌گویان شیرین سخن آن است که مردم را آگاهی بخشند و آنان را از قبح اعمال و سوء رفتار آن طبقات آگاه سازند و جامعه و آحاد ملت را در مسیر صحیح زندگانی قرار دهند.

مثلاً عبید زاکانی در تعریض به کسادى بازار علم و دانش و رواج کالای عیش و خوشگذرانی، طنزگونه چنین سروده است:

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم      کاندر طلب را تب هر روز بمانی  
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز      تا داد خود از مهتر و کهتر بستانی<sup>۱</sup>  
حجة الاسلام نیز تبریزی نیز عالمی است دینی و نکته‌پردازی است ماهر و طنزگویی است زبردست، که در ادبیات طنز و در شعر سرایی و مرثیه‌گویی سرآمد است.

و آتشکده او مشعل فروزان ذکر مصائب اهل بیت رسول و به خصوص شهیدان نینواست و در مقایسه با اشعار رثای بسیاری از فحول شاعران مرثیه‌سرای زبان فارسی، شاید در رتبه‌های نخستین باشد. وی منظومه‌ای دارد هزلی و طنزگونه، با نام «فسوة الفصیل»، که ظرافت و مطایبه این اثر از نام و عنوان آن آشکار است. نیز در این منظومه، معایب جامعه دینی خود را به نقد کشیده و در لفافه بذله‌گویی و شیرین کاری از حقایق تلخ اجتماعی، پرده برداشته است.

گاهی اشخاصی به ارث و نه از روی استحقاق و شایستگی؛ از پست و مقام سیاسی، اجتماعی و یا حتی علمی برخوردار می‌گردند و ضایعه می‌آفرینند؛ اما به علت نفوذ خانوادگی نمی‌توان با آنها درافتاد، ولی نیز (ره) با طنز و تعریض به این مسئله برخورد کرده است.

نیز برای کسانی که ادعاهای بیجا و توقعات نابجا دارند چنین سرود:

ثم ندیت راجزاً بین الملا      مخاطباً به فحول الفضلا  
انا الذی قبل الصبا تشیخا      کالبیض فی است الدجاج فرخاً<sup>۲</sup>

(آنگاه میان انبوه جماعت رجزخوانی کردم و فحول فاضلان را مخاطب ساختم و گفتم: من آنم که قبل از پشت سر گذاشتن دوران کودکی، پیر و کهنسال شده‌ام، همانند تخمی که از درون مرغ بیرون نیامده، جوجه شده باشد)!

وی در تعریض به حاکمیت غوغاسالاری و هوچی‌گری، چنین گفته است: او را ابوچماق نامند که سر می‌شکند و گوش می‌برد.

در باره کسانی که هنر نویسندگی ندارند، اما شهوت شهرت طلبی آنان را به سرقت علمی و دزدیدن مطالب این و آن وامی‌دارد و رطب و یابسی به هم می‌بافند و منتشر می‌سازند، چنین سروده است:

له کتاب أدب القیام عند محبی الله ذی الإکرام

(برای او کتابی است به نام ادب القیام، به هنگام آمدن خدای صاحب عزت و احترام). معلوم است که چنین کتابی وجود خارجی ندارد و آمدن خدا به معنای ظاهری آن نیز مفهوم درستی نخواهد داشت و این تعبیر، طنز، مطایبه و تعریضی است به عدم شایستگی اشخاص مورد نظر.

«نیر» در انتقاد از کسانی که بدون شایستگی و صلاحیت، مساجد و اماکن تبلیغی را متصرف شده حتی آن را موروث می‌پندارند، چنین سرود:

بنوه لی قبل ولادی مسکنا والأصل فی المبني أن یسکنا

(آن را قبل از آنکه من به دنیا بیایم، برای من ساخته‌اند و اصل در بنا آن است که در آن سکنی شود). البته «نیر» این بیت طنز، از قاعده صرفی هم بهره جسته و اصطلاح معرب و مبنی را مطرح نموده است و بر حسن و لطف کلام افزوده است. از این نوع طنزهای شیوا و لطیف در منظومه «نیر» فراوان است و مجال کوتاه.

### ادب طنز در سخنان امام خمینی (قدس سره)

مزیت طنز در جنبه تعریضی و کنایی آن است که مطلبی را در پوشش طنز، با مهارت بگویند و به اصطلاح جا بیندازند.

امام خمینی (ره) در انتقاد از روحانیان درباری و وعاظ السلاطین که در همه امور با طاغوت همسویی می‌کنند روحانی نما تعبیر کرده و گفتند:

«وجود چنین معممینی برای اسلام ننگ است. معممی مثل من، مصیبت

است.»<sup>۲</sup>

به نظر ما این تعبیر، مصداق طنز است و تعریضی است به آنان که چنانند و از باب «ایاک أعنی و اسمعی یا جارة» می‌باشند تا فاسدان حیا کنند و کوتاه آیند و از کارهای بد دست کشند.

احترام به امامزاده متوفی، طنزی است که حقیر در کلام رهبر فقید دیدم و نقد جانانه

و طنز زیبایی است. حضرت امام(ره) در اشاره به علمای سوء و درباری که در تمام عیار در خدمت طاغوت درمی آیند و جاده را از حیث مسایل دینی و مذهبی برای او هموار می سازند تعریض کرده و طنزگونه فرمودند:

«امروز هم اگر هیئت حاکم شما را احترام می گذارد باید توجه داشته باشید که این احترام مثل احترامی است که به امامزاده مرده می کنند، به امامزاده مرده خیلی احترام می کنند چون او خطر و ضرری برای قدریشان ندارد.»<sup>۴</sup>

و در همان رابطه در تعریض به کسانی که در حیات دنیا، هم و غمی جز خوردن و لذات بهیمی ندارند با الهام از قرآن فرمود:

(او علفش را می خواهد و می خورد.<sup>۵</sup> «و می خورد آن گونه که چهارپایان می خورند.»)<sup>۶</sup>

امام خمینی(ره) در مقام بیان غربت اسلام و مهجوری قوانین و احکام قرآن و عدم اجرای آنها، تعریضاً و با طنز فرمودند:

«فقط باید قراءت کنیم تا قرائت ما خوب باشد و از مخرج ادا کنیم!»

آیا رسول اکرم(ص) این گونه بودند؛ قرآن را می خواندند و کنار می گذاشتند و به حدود و اجرای قانون کاری نداشتند؟<sup>۷</sup>

همت، دلخوشی شما به این است که ظالم پشتیبان شما باشد. برای شما احترام قائل شود. مثلاً (أیهاالشیخ الکبیر بگوید).<sup>۸</sup>

این که می فرمایند، فقیه مؤمن اگر بمیرد خلایی جبران ناپذیر در جامعه اسلام به وجود می آید، مردن بنده است که در خانه ام نشسته ام؟!<sup>۹</sup>

این جمله ها همه از مصادیق طنز و تعریض است و در ادبیات سخنان امام راحل جایگاهی دارد. فهماندن اهمیت مطلب و برانگیختن مردم و مخاطبان، هدفی است که در این بیان ها دنبال می شود. ایشان برای بیداری غافلان، خودشان را که مثل اعلائی نزهت و پاکی و جهاد و اجتهادند، نام می برند و هنر خطابه را مجسم می سازند، و مصداق معکوس ذکر می کنند تا غافلان تکان خورند و به خود آیند و اگر امام(ره) چنان مطلب را به صراحت می فرمود (که شما آن گونه آید و من این گونه) کاملاً نتیجه عکس می داد و عده ای را تحریک کرده و به بازتاب وامی داشت؛ و این از شیوه های فصاحت و بلاغت است، مثلاً؛ به این عبارت توجه کنید: (شما خیال می کنید اگر عصای موسی دست من و

جنابعالی بود این کار از ما برمی آمد...؟!۹).

این سخن، طنز و تعریض است؛ در مورد کسانی که ادعاهای بزرگی دارند؛ لیکن در عمل، کاری از پیش نمی‌برند.

امام (ره) در تعریض به عوام ناآگاه که در مورد بزرگان دین تصورات واهی دارند و جنبش و حرکت را برای آنان عار می‌پندارند و خمول و گوشه‌گیری را فضیلت می‌شمارند، فرمود: (آخوند و مجتهد باید حرف بلد نباشد...)۱۰

یا فرمود: (شما با این اهمال‌کاری‌ها، می‌خواهید که ملائکه اجنحه خود را زیر پای شما پهن کنند؟).

(برخی از آنها را سازمان امنیت معمم کرده تا دعا کنند «جَلْ جَلالَه» بگویند).<sup>۱۱</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. نظام‌الدین مولانا عبید زاکانی، منتخب لطایف، ج ۳، (استانبول: ۱۳۰۳).
۲. حجة الاسلام نیر تبریزی، فسوة الفصیل، خطی، عکسی، کتابخانه دانشگاه تهران.
۳. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر ۸، ص ۳۶۲، امیرکبیر.
۴. همان، همانجا.
۵. همان، ص ۳۶۳.
۶. سورة محمد، آیات ۱۲ و ۴۷.
۷. همان، ص ۳۶۷.
۸. همان، ص ۳۶۸.
۹. همان، ص ۳۶۹.
۱۰. همان، ص ۳۷۲.
۱۱. همان، ص ۳۷۴.

#### منابع

۱. قرآن مجید
۲. عبید زاکانی، نظام‌الدین. منتخب لطایف، ج ۳، استانبول، ۱۳۰۳ ه. ق.
۳. حجة الاسلام نیر تبریزی، فسوة الفصیل، خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۴. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر ۸، امیرکبیر.